

تحلیل ارتباط بینامتنی آیه تطهیر با عمده‌ترین آیات امامت، ولایت و فضائل اهل بیت (ع)

سید سجاد غلامی^۱، کاوس روحی برندق^{۲*}، علی حاجی‌خانی^۳، صالح حسن زاده^۴

- ۱- دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
- ۲- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران
- ۳- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران
- ۴- دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران

چکیده

آیه تطهیر (احزاب: ۳۳)، از مهم‌ترین ادله قرآنی در خصوص فضیلت و عصمت اهل بیت (ع) محسوب می‌گردد، مفسران و دانشمندان مذهب اهل بیت (ع) و اهل تسنن در طول تاریخ از جهات مختلفی درباره این آیه بحث و گفتگو کرده‌اند، یکی از جنبه‌هایی که به آن پرداخته نشده است، ارتباط درون قرآنی آیه تطهیر با دیگر آیات امامت، ولایت و فضائل اهل بیت (ع) است. این جستار درصدد است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با پرداختن به قواعد روابط بینامتنی بین آیات مذکور، به تحلیل ارتباط بینامتنی آیه تطهیر با عمده‌ترین آیات امامت، ولایت و فضائل اهل بیت (ع) بپردازد. پس از تحلیل و ارزیابی روابط بینامتنی آیه تطهیر با دیگر آیات مذکور به این نتیجه دست‌یافته شد که مفهوم آیه تطهیر که دلالت بر عصمت اهل بیت (ع) دارد به شکل غیر ظاهر یا پنهان در دیگر آیات امامت، ولایت و فضائل اهل بیت (ع) آمده است و به‌نوعی جزء جدانشدنی مفهوم آن آیات است. بر اساس قواعد روابط بینامتنی، این ارتباطها یا از نوع رابطه مصداقی است که آیه تطهیر مصداق مشخص دیگر آیات را بیان کرده است یا زمینه‌ساز و تمهید آیه‌ای دیگر است، یا ارتباط آن سبب و مسببی و لازم و ملزومی و دیگر ارتباطهایی که وجود دارد، همه بیانگر اهمیت آیه تطهیر در میان آیات امامت، ولایت و فضائل اهل بیت (ع) است که به‌نوعی زیربنای اصلی و قوام دهنده دیگر آیات به شمار می‌آید.

واژگان کلیدی: آیه تطهیر، اهل بیت (ع)، عصمت، آیات ولایت، امامت و فضائل، روابط بینامتنی.



۱. مقدمه

یکی از رویکردهای موردتوجه در پژوهش‌های مربوط به ادبیات در دهه‌های اخیر، مطالعه روابط بینامتنی^۱ است. بینامتنیت^۲ یادآور این نکته است که متن‌ها به‌نوعی همواره در تعامل با یکدیگرند. یافتن این روابط ما را به خوانشی نو از متون رهنمون می‌سازد. قرآن کریم به‌عنوان یگانه متن عالم، تأثیر گسترده و عمیقی بر دیگر متون گذاشته است و به دلیل کارکرد ویژه‌ای که در معرفی و شناساندن هستی، انسان و... داشته است، همواره روابط بینامتنی فراوانی را در متون چه ادبی و غیرادبی شکل داده است. این نوع بینامتنیت در دو متن مجزا به‌وضوح قابل‌درک است؛ قرآن کریم به دلیل معجزه بودنش و تفاوت هویتی که با دیگر متون دارد، همواره متون از آن تأثیر پذیرفته‌اند، اما از هیچ متنی خارج از خود تأثیر نپذیرفته است. مقوله بینامتنی در قرآن به دلیل ساختار متفاوتش با دیگر کتاب‌ها - که تشکیل‌شده از ۱۱۴ سوره و هر سوره از تعداد آیات مشخص که دربردارنده متن‌های متفاوت در موضوعات مختلف است- به شکل دیگری قابل‌مشاهده است. روابط بینامتنی قرآن را باید در درون خود قرآن که به‌نوعی بیانگر تفسیر قرآن به قرآن است (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۳۹-۴۰) جستجو کرد. آیه تطهیر «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب: ۳۳) که در طول قرن‌های متمادی، محتوای آن موردتوجه ویژه دانشمندان و مفسران جهان اسلام قرارگرفته شده و در مورد آن بحث و گفتگو کرده‌اند. یکی از جنبه‌هایی که به آن پرداخته نشده است، ارتباط بینامتنی آیه تطهیر با دیگر آیات امامت، ولایت و فضائل اهل‌بیت (ع) است؛ چرا که نویسندگان و مفسران در آثار خود یا پاسخ به اشکالات بیان شده بر مفاد آیه تطهیر توسط عامه، همت گماشته‌اند و یا آن را از جهت قرائن متصل(سیاق- بررسی واژگانی) و قرآن منفصل(حدیث- عقل) بررسی کرده‌اند؛ ازاین‌رو، این پژوهش درصدد است به تحلیل ارتباط بینامتنی آیه تطهیر با عمده‌ترین آیات امامت، ولایت و فضائل اهل‌بیت (ع) موردی آیات: آیه عهد (بقره: ۱۲۴)، آیه اولوالأمر (نساء: ۵۹)، آیه ولایت (مائده: ۵۵)، آیه مودت (شوری: ۲۳) و آیه اکمال دین (مائده: ۳) را مورد تدقیق قرار داده و از این رهگذر به پرسش‌های اساسی زیر پاسخ داده شود:

۱- چه ارتباط بینامتنی بین آیه تطهیر و دیگر آیات امامت، ولایت و فضائل اهل‌بیت (ع) وجود

دارد؟

۲- قواعد ارتباط‌دهنده بین این آیات از چه نوع قواعدی است؟
 برای نیل به این مقصود کوشیده شده است نخست به دلالت آیات امامت، ولایت و فضائل اهل بیت (ع) پرداخته شود و از رهگذر این دلالت بر اساس نظریه بینامتنیت به انواع ارتباط‌های موجود بین آیه تطهیر با دیگر آیات مورد بحث، مورد بررسی قرار گیرد.
 پیش‌فرض این مسأله بر وجود رابطه بینامتنیت بین آیات مورد نظر است و آیات به اشکال روابط گوناگون با یکدیگر مرتبط هستند.
 روش این پژوهش در گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و در استناد به داده‌ها، اسنادی و در تجزیه و تحلیل، شیوه تحلیل محتوای کیفی (نوع توصیفی - تحلیلی) است.

۲. پیشینه تحقیق

در خصوص بینامتنی، آثار زیادی به رشته تحریر درآمده است؛ از مهم‌ترین آن‌ها کتاب **بینامتنیت** اثر گراهام آلن، ترجمه پیام یزدان جو از زبان انگلیسی به فارسی است. کتاب‌ها و مقالات بهمن نامور مطلق؛ از جمله کتاب **درآمدی بر بینامتنیت**، نظریه‌ها و کاربردها از نشر سخن از دیگر منابع مؤثر در این زمینه است. در حوزه شعر چون کتاب **بینامتنیت و شعر حجم** نوشته محمدعلی زهرزاده و در حوزه قرآن مقالاتی چون **روابط بینامتنی قرآن با خطبه‌های نهج البلاغه** از سید مهدی مسبوق ارتباط‌های بین قرآن و خطبه‌های امام علی (ع) را بیان داشته است؛ بینامتنی قرآن کریم و صحیفه سجاده از محمد رضا ستوده‌نیا که به ارتباط بین آن دو پرداخته؛ همگی از جمله آثاری است که در جهت مطالعات بینامتنی سودمند است. به‌رحال در مورد ارتباط بینامتنی آیه تطهیر با دیگر آیات امامت، ولایت و فضائل اهل بیت (ع) هیچ اثری نگاشته نشده است؛ اما بحث در مورد آیه تطهیر دارای پیشینه دیرینه و دراز دامن است؛ از جمله آثار، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. **السحاب المطیر فی تفسیر آیه التطهیر**، از قاضی نورالله شوشتری (۱۰۱۹ق)، در آن به نقدها و اعتراضاتی که به استدلال شیعه در مورد عصمت اهل بیت (ع) آمده، پرداخته است؛ ۲. **تطهیر التطهیر**، فاضل هندی (۱۲۳۵ق)، در این رساله با استناد به روایتی که در احتجاج طبرسی که نقل شده است، تفسیر و تبیین ویژه‌ای از عصمت در آیه ارائه داده است؛ ۳. **جلاء الضمیر فی حل مشکلات آیه التطهیر**، شیخ محمد بحرانی (۱۳۲۵ق) با مشرب اخباری خود و بهره از روایات و احادیث خاندان عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) به تفسیر و تاویل آیه پرداخته



است؛ ۴. آیه التطهیر رؤیه مبتکره، فاضل لنکرانی و اشراقی؛ به تفسیر و تبیین آیه همراه با نقد آراء عامه در مورد آیه تطهیر است؛ ۶. آیه التطهیر فی احادیث الفریقین، سید علی موحد ابطحی (۱۴۰۵ق)؛ بر اساس روایات آیه را مورد تبیین قرار داده است. از مقالات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مصداق اهل بیت علیهم السلام در آیه تطهیر با رویکرد به منابع اهل سنت، اسماعیل زاده، ایلقار، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی؛ ۲. اهل بیت و آیه تطهیر در تفاسیر مهم اهل سنت، جوان ملکوتی، عبدالله؛ مقالات و بررسی‌ها؛ ۳. آیه تطهیر و دیدگاه سلفیه، اسکندری، حسن، سراج منیر؛ ۴. استقلال نزول آیه تطهیر و تأثیر آن در ظهور و فهم معنای آیه، بابائی، علی اکبر، اندیشه نوین دینی و دیگر کتاب‌ها و مقالاتی که وجود دارد؛ همگی یا در پاسخ به اشکالاتی که عامه بر استدلال شیعه وارد کرده‌اند؛ تألیف شده یا به تفسیر خود آیه بدون آنکه ارتباط بینامتنی آن را با دیگر آیات بررسی کنند؛ نگاشته شده‌اند. باین‌حال، هیچ‌یک از این مقالات و کتاب‌ها به تحلیل بینامتنی آیه تطهیر با آیات دیگر امامت، ولایت و فضائل اهل‌بیت (ع) نپرداخته‌اند که این جستار به این مسئله می‌پردازد.

۳. مبانی نظری

۳-۱. بینامتنیت و انواع آن

«بینامتنیت» که توسط ژولیا کریستوا استفاده شد، به معنای شیوه‌های متعددی است که هر متن ادبی به واسطه آن به‌طور تفکیک‌ناپذیری با سایر متن‌ها از رهگذر نقل‌قول‌های پنهان و آشکار یا تلمیحات یا جذب مؤلفه‌های صوری و ملموس از متن‌های پیش از خود یا به لحاظ مشارکت اجتناب‌ناپذیر در نخیره مشترک شیوه‌های ادبی تداخل می‌یابند؛ در نتیجه‌گیری کریستوا هر متنی در حقیقت یک «بینامتن» است؛ یعنی جایگاهی است از تلاقی متن‌های بی‌شمار دیگر، حتی متن‌هایی که در آینده نوشته خواهند شد (داد، ۱۳۸۳: ۴۲۴). وی اعتقاد دارد که «هر متنی به منزله جذب و دگرگون‌سازی متنی دیگر است» (کریستوا، ۱۳۸۱: ۴۴). رولان بارت فرانسوی «متن جدید را حاصل اجتماع اجزای متون پیشین می‌داند و آن را برای هر متنی حتمی و اجتناب‌ناپذیر می‌شمارد» (یرو، ۱۳۸۷: ۳۷۴)؛ بنابراین «اصل اساسی بینامتنی این است که هیچ متن بدون ارتباط با متن‌های دیگر نیست و توسط شاعر تقریباً بدون دگرگونی، از اشعار دیگران گرفته شده است و نوآوری شاعران در تصاویر ترسیم شده نیست، بلکه در زمانی است که به کار گرفته می‌شود»

(احمدی، ۱۳۸۰: ۵۸). محمد بن بنیسی با ارائه شکل جدیدی از اصطلاح بینامتنیت و نامیدن آن به صورت متن غایب می‌گوید: «متن شعری ساختار زمانی ویژه و جدانشدنی از روابط خارجی با دیگر متون است که این متون خارجی همان چیزی است که آن را متن غایب می‌نامیم. او همچنین معتقد است که متن بسان پهنه‌ای است که متون دیگر در آن به هم می‌رسند. این متون ضرورتاً به متن شعری منحصر نیستند، بلکه بر ایند متون مختلف از زمان‌های گوناگونند» (بنیسی، ۱۹۷۹: ۲۵۱) بر اساس اقوال پیشین می‌توان این‌گونه بیان کرد که نظریه تعامل متن‌ها یکی از مهم‌ترین مباحثی است که همواره مورد توجه پژوهشگران ساختارگرا و پساساخارگرا مانند کریستوا، بارت ژنت، دریدا و... قرار گرفته است. نظریه‌پردازان امروزی معتقدند که هر متن فاقد معنای مستقل است، متون از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و در همین ارتباط، شکل می‌گیرند. این متفکران چگونگی ارتباط یک متن با متون دیگر را بینامتنیت نامیده‌اند که به اعتقاد گراهام آلن این عبارت «از رایج‌ترین اصطلاحات مورد استفاده و سوء استفاده در واژگان نقادی معاصر است» (آلن، ۱۳۸۵: ۱۲). نظریه‌ی بینامتنی بر اساس نوع کاربرد آن در متون به انواعی تقسیم شده است که به مناسبات بینامتنی تعبیر شده است. برای بازآفرینی متن غایب در متن حاضر از معیارهایی تبعیت می‌کنند که از آنها به قانون‌های بینامتنیت تعبیر می‌کنند (حسنی، ۲۰۰۳: ۵۶۰). از جمله کریستوا در بررسی و مطالعه اشعار لوترئامون دریافت که شاعر با سه‌گونه نفی (جزئی، کامل و متقارن) به نویسندگان پیشین می‌نگرد. (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۱۶۰)

نفی جزئی^۳ (اجترار): مؤلف در این نوع رابطه بینامتنی، جزئی از متن غایب را در اثر خویش می‌آورد و متن حاضر ادامه متن غایب است. (عزام، ۲۰۰۱: ۱۱۶؛ نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۱۶۰)؛ نفی متقارن یا نفی متوازی^۴: در این نوع از روابط بینامتنی، متن پنهان از سوی مؤلف پذیرفته می‌شود و به گونه‌ای در متن حاضر به کار می‌رود که جوهره آن تغییر نمی‌کند. (موسی، ۲۰۰۰: ۵۵)؛ نفی کلی^۵: بالاترین مرتبه تأثیر و تأثر است و تنها لایه لطیفی از متن پنهان با استفاده از سرنخ‌هایی بسیار ظریف و جزئی، بر لایه قشری متون ظهور می‌یابد (ناهم، ۲۰۰۷: ۴۹-۶۶)

در تقسیم‌بندی دیگر که توسط محمد عزام از دیدگاه ژرارژنت بیان شده است (عزام، ۲۰۰۱: ۳۸)؛ این شکل از تناص را به دو دسته کلی تقسیم کرده است:

۱- تناص ظاهر یا تناص واعی یا شعوری یا آگاهانه: در این نوع، نویسنده یا شاعر به شکل



واضح و مشخص از متن دیگری در شعرش استفاده می‌کند.

۲- بینامتنیت غیر ظاهر یا تناص پنهان یا لاشعوری یا غیرآگاهانه: نویسنده یا شاعر به شکل غیرآگاهانه و از ضمیر ناخودآگاه خود از متن دیگری استفاده کرده و از این‌که متن دیگری یا جزئی از آن را با خصوصیتی از آن، در متن خود جای‌داده است ناآگاه است. (عزام، ۲۰۰۱: ص ۳۸)

این تقسیم‌بندی‌ها بیانگر روابط بینامتنی در شعر است که نوشتار حاضر از این نظریه‌ها در متن قرآن بهره برده است و آن را پشتوانه دیدگاه خود قرار داده است.

۲-۳. بینامتنیت قرآنی

قرآن کریم تأثیر عمیقی بر دیگر متون گذاشته است و به دلیل کارکرد ویژه‌ای که در معرفی و شناساندن هستی، انسان و... داشته است، همواره روابط بینامتنی فراوانی را در متون چه ادبی و غیرادبی شکل داده است. این نوع بینامتنیت در دو متن مجزا به وضوح قابل‌درک است؛ قرآن به دلیل معجزه بودنش و تفاوت هویتی که با دیگر متون دارد، همواره متون از آن تأثیر پذیرفته‌اند، اما از هیچ متنی خارج از خود تأثیر نپذیرفته است. مقوله بینامتنی در قرآن به دلیل ساختار متفاوتش با دیگر کتاب‌ها - که تشکیل‌شده از ۱۱۴ سوره و هر سوره از تعداد آیات مشخص که دربردارنده متن‌های متفاوت در موضوعات مختلف است- به شکل دیگری قابل‌مشاهده است. همانگونه که بیان شد، در تعریف بینامتنیت اصل اساسی متن است و هر متنی را یک بینامتن بیان کرده‌اند که دیگر متن‌ها در سطوح متغیر و با شکل‌های کما بیش قابل شناسایی در آن حضور دارند. (نامورمطلق، ۱۳۹۰: ۱۹۳) در این بیان که توسط رولان بارت در فرق بین اثر و متن بیان شده است، ما را بدین سوی رهنمون می‌سازد که متن می‌تواند یک پاراگراف باشد، یا یک جمله؛ با امعان این مطلب آیات قرآن نیز هر یک، یک متن برشمرده می‌شوند که دیگر متن‌ها در آن حضور دارد؛ اما اینکه چه متن‌هایی در یک متن قرآن نهفته است، به علت ساختار شکلی و هویتی متفاوت قرآن، در خارج از قرآن قابل ردیابی نیست، بلکه در خود قرآن حضور دارد و این بر اساس این نظریه است که متن‌های هم‌زمان در تلاقی باهم هستند، به توضیح بیشتر، یکی از اصطلاحاتی که کریستوا در ارتباط شبکه‌ای متن‌ها با یکدیگر اشاره می‌کند، وازه رابطه هم‌زمانی و رابطه درزمانی است. چنین تأکیدی نیز به متمایز و دور شدن از نظریات سنتی که همواره بر محور درزمانی

استوار بوده است، می‌انجامد. نظریه‌های سنتی همواره حضور یک متن پیش‌زمان را در یک متن پس‌زمان مورد بررسی قرار می‌دادند، زیرا پیوسته در جستجوی چگونگی بازتولید یک اثر به واسطهٔ اثر پسین بودند (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۱۳۴) با توجه به چنین نکته‌ای مقدا می‌توان به این نتیجه رسید که متن‌هایی که در یک زمان هستند، بین آنان رابطه بینامتنیت وجود دارد و قرآن در رابطه هم‌زمانی مورد بررسی بینامتنیتی قرار می‌گیرد.

نکته دیگری که باید بدان اشاره نمود، تلاقی دو مفهوم بینامتنیت و تفسیر قرآن به قرآن است؛ در نگاه نخست این دو واژه مجزا از یکدیگرند اما با کمی کنکاش در دو عبارت، این تلاقی ثابت می‌شود. بینامتنیت واژه‌ای است که در یک معنا و یک تعریف خاص بیان نشده است و هر یک از دانشمندان زبان‌شناس در مورد آن تعریف خاصی را ارائه کرده‌اند، از بینامتنیت تولیدی کریستوا و دریافتی بارت تا تقابل بینامتنیت ژنی و حتی ریفارتر در مقایسه با بینامتنیت کریستوا یاد کرد؛ به عبارت دقیق‌تر، بینامتنیت در فرایند تاریخی نه‌چندان طولانی خود به پدیده‌ای متکثر تبدیل شده است (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۴۳۰) و این نشان می‌دهد که بینامتنیت محدود به تعریف ثابتی نیست، آنچه در همه تعاریف مشترک است وجود «متن» همراه با دیگر متن‌هایی که در آن وجود دارد، است؛ با توجه به این مطلب می‌توان کارکرد تفسیر قرآن به قرآن را نیز یک عملیات بینامتنی نامید، چراکه مفسر ردپاهای متن غایب را در متن اصلی پیدا می‌کند و وجه ارتباطی متن‌های دیگر را در ارتباط با آن متن مورد بررسی قرار می‌دهد و در واقع متون قرآن را با یکدیگر به سخن درمی‌آورد؛ به عبارت دقیق‌تر اگر بینامتنیت سخن گفتن متن‌ها با یکدیگر باشد، تفسیر قرآن به قرآن نیز به‌نوعی سخن گفتن آیات با یکدیگر است که به دو شکل آگاهانه و غیرآگاهانه در قرآن کریم به‌کاررفته است؛ تشخیص این روابط در آیات مورد بحث نیازمند ترسیم قواعدی است که روابط بینامتنی هر یک از آیات را با یکدیگر نشان دهد؛ در عملیات بینامتنی سه رکن اساسی وجود دارد: متن آیه ارتباطی اول (متن حاضر)؛^۱ آیات ارتباطی دیگر (متن پنهان)^۲ و عملیات بینامتنی (قواعد ارتباط‌دهنده)؛ کوچ لفظ یا معنا از متن و ارتباط آیه اول به آیات دیگر عملیات بینامتنی نام دارد که تبیین قواعد ارتباط‌دهنده مهم‌ترین بخش روابط بینامتنی در تفسیر آیات مذکور است؛ کارکرد این روش بدین شکل است که مفسران آیاتی را که دارای وحدت موضوعی و مفهومی است، در کنار هم قرار می‌دهند و آن را تبیین و تفسیر می‌کنند؛ جهت اینکه آیات با موضوع واحد،



یکدیگر را با روش قرآن به قرآن تفسیر و تبیین کنند، نیاز به یک نقشه مفهومی و قواعد ارتباط دهنده است تا این ارتباط بینامتنی آیات با یکدیگر موردسنجش قرار بگیرد. این قواعد که ارتباط‌دهنده بین دو آیه هم موضوع است در علمی چون علم اصول، فلسفه، منطق، ادبیات عرب و علوم تفسیری موردبررسی و ترسیم قرار می‌گیرد که در ذیل آیات بررسی می‌شود:

۴. بحث و بررسی

۴-۱. مفاد آیه تطهیر از دیدگاه مفسران (متن حاضر)

آیه تطهیر از مهم‌ترین آیاتی است که بر شرط اساسی امامت، یعنی عصمت دلالت دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۶، ص ۳۱۳)؛ دلالت آیه تطهیر بر عصمت، بر اساس رویکرد تاریخی روند تکاملی داشته و باگذشت زمان استدلال شیعیان چهارچوبی محکم و موثقی پیدا کرده است؛ استدلال شیعیان در زمان شیخ مفید (۱۳ ق) و شیخ طوسی (۴۶۰ ق) بر اساس قاعده لطف بوده و این قاعده در بین آنان در همه مباحث اعم از نبوت، امامت و عصمت ساری و جاری بوده است، این دو مفسر بر اساس آن قاعده به تبیین اراده الهی پرداخت‌اند و به این نکته اشاره کرده‌اند که اهل‌بیت (ع) در هنگام اجتناب از قبایح به آن لطف رجوع کرده و به واسطه آن لطف از زشتی‌ها بازداشته می‌شوند. (طوسی، بی‌تا: ۳۴۱/۸؛ مفید: ۱۴۲۴: ۴۱۴) در ادامه، صاحب تفسیر مجمع‌البیان (۵۴۸ ق)، اراده انهاب رجس خدا از اهل‌بیت (ع) را در امر کن‌فیکونی یعنی اراده محقق خدا بیان داشته است و این‌گونه تفسیر کرده که این اراده کن‌فیکونی هرگاه صادر شود از پی آن، تطهیر و انهاب رجس شکل می‌گیرد، درواقع طبرسی یک‌قدم پا را فراتر نهاده و بیان کرده است که آن قاعده لطف از فعل خدا صادر می‌شود که با صدور آن اراده انهاب رجس و تطهیر از اهل‌بیت (ع) صورت می‌گیرد؛ درواقع وی اشاره به این معنا داشته که خداوند اراده کرده است که به‌طور مطلق و بدون هیچ قید و شرطی شما را تطهیر کند نه از راه تکالیف. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۶۰/۸)؛ اکثر مفسران شیعه تقریر صاحب مجمع را با نقصان و اضافه ذکر کرده‌اند و آن را وجه استدلال و استناد خود دانسته‌اند (سبزواری نجفی، ۱۴۱۹ ق: ۴۲۷؛ طیب، ۱۳۷۸ ش: ۵۰۴/۱۰؛ حسینی، ۱۴۰۴ ق: ۱۰۴/۱۳؛ صادقی‌تهرانی، ۱۳۶۵ ش: ۱۳۲/۲۴؛ کاشانی، ۱۴۲۳ ق: ۳۷۳/۵؛ بانو امین اصفهانی، ۱۳۶۱ ش: ۲۲۷/۱۰؛ حائری‌تهرانی، ۱۳۷۷ ش: ۳۰۴/۸)؛ اما باید در نظر داشت که این معنا یعنی اراده محقق از یکسو مخالف با شرط کرامت انسان که مختار آفریده شده است، دارد و از سوی

دیگر باهدف خلقت که دار آزمایش است، در تنافی است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/ 311)؛ در نتیجه این معنای از اراده، نمی‌تواند معنای صحیحی باشد، چراکه عصمت به‌دست آمده اهل بیت (ع) را جبر گونه نشان می‌دهد و این با آن کرامت انسانی در تضاد است.

بعد از آن، تقریر علامه طباطبایی مطرح می‌شود، وی در ذیل آیه تطهیر بدون توجه به قاعده لطف، استدلال خود را از دریچه معنای واژگان بیان می‌کند؛ یعنی توجه به مفهوم واژه‌های «رجس، اراده و تطهیر»؛ وی رجس را هیئت خبیثه‌ای می‌داند که اگر انسان دچار این رجس‌ها شود، قلبش معتقد به باطل و از قبیل آن دچار عمل قبیح می‌شود و «اراده اذهاب رجس» یعنی اینکه خدا می‌خواهد اعتقاد به باطل و عمل زشت را از شما اهل بیت ازاله و از بین ببرد؛ وی آورده است برای اینکه این ازاله صورت بگیرد باید مقابلش یعنی تطهیر و اعتقاد به حق را در قلب آنان وارد کرد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/ 313؛ قرشی، ۱۳۷۷ ش: ۳۵۴/۸)، در این صورت اراده خدا بر آنان تعلق می‌گیرد. با کمی دقت در وجه استدلال یک اشکال بر این استدلال وجود دارد و آن این است که وی فعل «یذهب» را به معنای ازاله و از بین بردن معنا کرده است و این با مقوله عصمت اهل بیت (ع) ناسازگار است؛ چراکه عصمت آنان از بدو تولد بوده و این معنا، این شائبه را می‌رساند که آنان پیش از این آیه دچار گناه بوده و از بعد این آیه خداوند اعتقاد به حق را در دل آنان ساری و جاری کرده و آنان توانستند رجس را تشخیص دهند و از آن کناره‌گیری کنند، با معنا کردن فعل «یذهب» به معنای دفع و منع این نقد حل می‌شود و این دیدگاه از وثاقت دلالتی محکمی برخوردار می‌شود.

در مقابل دیدگاه شیعه، آراء اهل تسنن قرار دارد، آنان بر اساس سیاق آیه و حدیثی که از عکرمه در باب شأن نزول آیه بیان داشته است؛ خطاب اصلی آیه را ابتدا به زنان پیامبر (ص) دانسته و بر اساس دیگر روایاتی که از ام سلمه و عایشه و دیگر صحابه نقل شده است، مصداق آن را پنج تن آل عبا (ع) بیان کرده‌اند و آیه را دلالت بر تقوی و تقوای شدید تفسیر کرده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/ ۳۶۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۶۸/۲۵؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۱۳/۵-۱۴؛ سید قطب، ۱۴۱۲: ۵/ ۲۸۶۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱/ ۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹؛ طنطاوی، بی‌تا: ۲۰۷/۱۱)؛ لیکن این استدلال بر اساس سیاق آیه و نبود وحدت موضوعی آیه تطهیر با آیات قبل و بعد از خود و بیان دیگر آیات در وصف زنان پیامبر (ص) چون آیه ۴ و ۵ تحریم همه دلالت بر این دارد که نه خطاب آیه در مورد زنان صدق می‌کند و نه مفهوم آیه بر تقوی.



۲-۴. تحلیل ارتباط بینامتنی آیه تطهیر با آیات دیگر

۲-۴-۱. ارتباط بینامتنی آیه تطهیر با آیه عهد

متن حاضر: آیه تطهیر (احزاب: ۳۳)، دلالت بر عصمت اهل بیت (ع).

متن غایب: «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره: ۱۲۴) مفاد کلی آیه از یکسو دلالت بر امامت و از سوی دیگر دلالت بر عصمت دارد، مراد از «عهد» در آیه، امامت است؛ همچنان که گروهی از مفسران اهل سنت (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/ ۱۸۴؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱/ ۱۰۸) نیز همین معنا را قبول دارند. واژه «ظالم» در اصطلاح به هر معصیت و کم گذاری چه در حق خود و دیگران یا در حق الهی ظلم اطلاق می-شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۹۲) نکته دیگر آنکه در این آیه «ظالمین» به صورت جمع و همراه الف و لام آمده است که حاوی شمول و استغراق مفهومی بوده همه انواع مراتب ظلم را دربرمی گیرد؛ طبعاً نفی امامت ظالمین با این مفهوم فراگیر، ملازم اثبات شرط عصمت خواهد بود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/ ۲۸۰) عدم ظلم شرط برخوردارگی و اعطای مقام امامت به فرزندان ابراهیم (ع) است و منصب امامت مقامی است که به غیر از معصوم که تطهیر از انواع ظلم باشد، اعطا نمی شود. رابطه بینامتنی (قواعد ارتباط دهنده): پیش از این ثابت شد که تفسیر قرآن به قرآن را نیز یک عملیات بینامتنی است، چراکه مفسر ردپاهای متن غایب را در متن اصلی پیدا می کند و وجه ارتباطی متن های دیگر را در ارتباط با آن متن، مورد بررسی قرار می دهد و در واقع متون قرآن را با یکدیگر به سخن درمی آورد؛ انواع ارتباطی که بین دو آیه مذکور وجود دارد عبارت است از:

۱. آیه تطهیر در بردارنده مصداق امامت و عصمت آیه عهد: واژگان محوری و اصلی هر دو آیه، اولین نقطه ای است که هر دو آیه را به هم مرتبط و بینامتنیت آگاهانه را گوش زد می کند، این ارتباط بین (ذریه و اهل بیت)، (ظلم و رجس) مشاهده و تبیین می شود، علماء مذاهب اسلامی در مورد کیستی «اهل بیت» متفقاً بر اساس روایات مستفیض، پنج تن آل عبا (ع) را مصداق بارز آیه بر شمرده اند، به گونه ای که به غیر از آنان شامل کسی دیگر نمی شود (طبری، ۱۴۱۲: ۶/ ۱۱۲؛ طبرانی، ۱۴۱۵: ۵۱/ ۳)؛ در مورد کیستی «ذریه» حضرت ابراهیم (ع)، به فرزندان آن حضرت تا روز قیامت اطلاق می شود که در این بین پیامبر (ص) و خاندانش بر اساس روایات و اقوال فراوان در سلسله نسب به حضرت ابراهیم (ع) متصل و از مصادیق آن محسوب می شوند (التمیمی السمعانی، ۱۹۸۸ م: ۱/ ۱۳). از واژگان محوری دیگر در این دو آیه لفظ «ظلم» و «رجس» است، به

نظر می‌رسد از واژگان نظائری است که بر یک مراد یعنی «گناه» تطبیق داده شده‌اند، لفظ «رجس» تمامی گناهان و آلودگی‌ها ظاهری و باطنی را شامل می‌شود و «ظلم» شامل تمامی گناهان بزرگ و کوچک چه به خود، دیگران و خدا است و آمدن الف و لام در هر دو واژه حاوی شمول و استغراق مفهومی بوده و همه انواع مراتب گناه را دربرمی‌گیرد. با این توضیح وجه ارتباطی بین دو آیه بدین شکل است که آیه تطهیر بیانگر عدم رجس در مصداق مشخص یعنی اهل بیت (ع) است و آیه عهد بیانگر شرط عصمت (عدم ظلم) در رسیدن به امامت برای ذریه حضرت ابراهیم (ع) است، در نتیجه آیه تطهیر از یکسو دربردارنده شرط امامت یعنی عصمت است و از سوی دیگر مصداق مشخص ذریه حضرت ابراهیم (ع) در آیه عهد، اهل بیت (ع) در آیه تطهیر است؛ جان کلام آنکه آیه تطهیر دربردارنده ارتباط بینامتنی آگاهانه مصداق امامت و عصمت معهود در آیه عهد است.

۲. آیه تطهیر جزء کل آیه عهد (عصمت امام): مفهوم اصلی آیه عهد رسیدن به مقام امامت به شرط معصوم بودن ذریه حضرت ابراهیم (ع) است و مفهوم اصلی آیه تطهیر دلالت بر عصمت اهل بیت (ع)؛ همان‌گونه که بیان شد شرط لازم برای رسیدن به مقام امامت مبرا بودن از رجس و ظلم است و آیه تطهیر دال بر آن شرط است، در نتیجه آیه تطهیر جزئی از مفاد کلی آیه عهد در مصداق عصر نزول قرآن است و از جهت رتبه در ذیل آیه عهد قرار می‌گیرد و شرط لاینفک رسیدن به آن مقام محسوب می‌شود.

۳. دلالت عقلی: ارتباط دلالتی بین دو آیه دلالت عقلی است؛ یعنی عقل با پی بردن به عصمت شخصی، امام بودن و مورد تبعیت قرار گرفتن او در ذهن متبادر می‌شود و از جهت ارتباط دلالتی لفظ بر معنی بین واژگان محوری، دلالت التزام از نوع لازم ماهیت است؛ یعنی هرگاه در ذهن امامت متبادر و حاصل شود، تصور طهارت و عصمت با آن همراه خواهد بود.

۴. آیه تطهیر مبین چگونگی نیالوده شدن به ظلم و تحقق عصمت در امامان و انبیاء الهی: در شناخت چگونگی عصمت امامان و انبیاء الهی، آیه تطهیر از غررالات و مبین آن مسئله در آیه عهد به شمار می‌رود که به شکل غیرآگاهانه در آیه تطهیر ذکر شده است. در آیه تطهیر شرط رسیدن به امام را عدم ظلم که ملازم عصمت است بیان کرده و آیه عهد نسبت به این مسئله که امام چگونه وجود خود را به گناه نیالوده و توانسته خود را حفظ کند، ساکت است. آیه تطهیر تفسیرگر این چگونگی است؛ در دلالت آیه تطهیر بر عصمت اهل بیت (ع) بیان شد که عصمت از



رهگذر اراده الهی در اذهاب رجس (ظلم) عبور می‌کند و اثبات این اراده الهی به مخلوق این‌گونه بیان داشته شده است که اراده الهی در اذهاب رجس یعنی اینکه خدا می‌خواهد اعتقاد به باطل و عمل زشت را از شما اهل بیت منع کند و این منع با وارد کردن مقابلش یعنی تطهیر و اعتقاد به حق در قلب حاصل می‌شود؛ پس عصمت امامان تنها در صورتی امکان دارد که این اراده الهی که همان وارد کردن اعتقاد به حق در قلب است، ایجاد شده باشد و تا خداوند چنین اراده‌ای را در قلب انسان به وجود نیارد به چنین مقامی یعنی امامت نمی‌رسد؛ در نتیجه آیه تطهیر ارتباط بینامتنی با آیه عهد را با دقت در توضیح چگونگی عصمت بیان داشته است.

۲-۲-۴. ارتباط بینامتنی آیه تطهیر با آیه اولوالأمر

متن حاضر: آیه تطهیر.

متن غایب: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹). در این آیه خداوند به اطاعت «اولوالأمر»، امر جزمی کرده است، پس واجب است که «اولوالأمر»، تنها بر طاعت دستور دهند؛ زیرا اگر جایز باشد که آنان به معصیت دستور دهند باینکه خداوند به ما دستور داده که مطلقاً از آنان اطاعت کنیم، لازمه‌اش آن است که خدا ما را به گناه کردن دستور داده باشد و این، امر باطلی است؛ زیرا هرگز خدا ما را به نافرمانی از خویش دستور نمی‌دهد، بلکه ما را از نافرمانی نهی کرده است. وقتی این امر ثابت شد، یقین پیدا می‌شود که «اولوالأمر» که اطاعتشان واجب شده است تنها به طاعت دستور می‌دهند و مقتضای چنین چیزی، آن است که باید «اولوالأمر» معصوم باشند؛ بنابراین منظور از اولوالأمر افرادی از امت‌اند که در گفتار- و کردارشان- معصوم‌اند و به‌راستی اطاعتشان واجب است- به‌عین همان معنایی که اطاعت خدا و رسولش واجب است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴/ ۳۹۱-۴۰۰).

رابطه بینامتنی (قواعد ارتباط‌دهنده): پیش‌از این ثابت شد که تفسیر قرآن به قرآن را نیز یک عملیات بینامتنی است، چراکه مفسر ردپاهای متن غایب را در متن اصلی پیدا می‌کند و وجه ارتباطی متن‌های دیگر را در ارتباط با آن متن، مورد بررسی قرار می‌دهد و در واقع متون قرآن را با یکدیگر به سخن درمی‌آورد؛ انواع ارتباطی که بین دو آیه مذکور وجود دارد عبارت است از:

۱- اهل‌بیت (در آیه تطهیر) مصداق مشخص اولی الامر: ارتباط بینامتنی و نقطه اتصال دو آیه در چهار واژه «اطاعت، تطهیر، اولوالأمر و اهل‌بیت» است، اطاعت در آیه مذکور به‌صورت اطلاق

آمده است و هیچ‌گونه قیدی به آن اضافه نشده است که دلالت دارد بر اطاعت محض و محال است که اطاعت مذکور امر مولوی باشد بلکه به حکم عقل امر ارشادی است که عقلاً اطاعت خداوند واجب است و همچنین اطاعت رسول به حکم عقل واجب است، لذا فرمود وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ؛ زیرا آنچه می‌فرماید از جانب خدا است «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم: ۳ و ۴)، سهو و نسیان و خطا و اشتباه در او راه ندارد معصوم است از کلیه معاصی؛ لذا عقل اطاعت او را عین اطاعت حق می‌داند؛ در نتیجه اولی الامر کسانی هستند که امر آن‌ها عین امر الهی است و احتمال کذب و خطا و اشتباه و سهو و نسیان در آن‌ها راه ندارد و بر این اساس عقل به لزوم اطاعت از آن‌ها حکم می‌کند و مقام عصمت امری است باطنی و احدی اطلاع ندارد جز خدا، پس خدا باید اولی الامر را معین فرماید. با قرار دادن آیه تطهیر در کنار آیه مذکور، ارتباط بینامتنی در تفسیر و مصداق واژگان محوری مشخص می‌شود؛ آیه تطهیر مهر اثبات عصمت و تعیین مصداق اولی الامر است؛ این صفت یعنی اطاعت محض برای کسانی است که عصمت داشته باشند. در آیه اطاعت، خدا و رسول مشخص است و «اولوالأمر» که مانند خدا و رسول واجب الاطاعه است، نامتعیین و نامشخص، در نتیجه با در نظر گرفتن این مطلب که خداوند مطلبی را بیان نمی‌کند که مصداق نداشته باشد، «اولوالأمر» باید مصداق مشخص در عصر نزول قرآن داشته باشد. با توجه به دو خصیصه آیه ۵۹ سوره نساء یعنی واجب الاطاعه بودن و معصوم بودن؛ مصداق بارز آن را در آیه تطهیر می‌توان مشاهده کرد؛ از آنجایی که آیه تطهیر در شأن عصمت اهل بیت (ع) نازل شده است و در آن عصر فقط اهل بیت (ع) به این فضیلت متصف بودند، «اولوالأمر» کسی نمی‌تواند باشد به جز امام علی (ع)، حضرت زهرا (س)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع).

۲- رابطه لازم و ملزوم (بین آیه تطهیر و اولی الامر): اطاعت و عصمت، مفهوم اصلی در دو آیه است که به نوعی لازم و ملزوم یکدیگرند؛ یعنی لازمه اطاعت، عصمت است و ملزوم عصمت، اطاعت، در آیه تطهیر عصمت را مختص به اهل بیت (ع) بیان کرده است و در آیه اولی الامر اطاعت را مختص خدا، رسول و اولی الامر، از آنجایی که در زمان پیامبر (ص) به گواه خود آیه تطهیر کسی جز اهل بیت (ع) دارای چنین مقامی یعنی عصمت نبوده‌اند، اولی الامر نمی‌تواند کسی به غیر از اهل بیت (ع) باشد؛ چراکه تنها آنان هستند که با داشتن عصمت واجب الاطاعه می‌شوند.

۳- آیه تطهیر زمینه‌ساز آیه اولی الامر (شرط وجودی): شرط وجودی به این معنا است که یک امر بیرونی وجود دارد که بقاء آن بر آن شرط نهاده شده است (سجادی، 1373: ۴/ ۳۳۵)؛ آیه



تطهیر را می‌توان بیانگر شرط وجودی آیه اطاعت دانست، با دقت در این معنا که اطاعت محض تنها بر شخص معصوم واجب می‌شود و آیه تطهیر در یک زمینه‌سازی این شرط وجودی را فقط در اهل‌بیت (ع) بیان داشته است، در واقع نزول آیه تطهیر مهر اثباتی بر واجب‌الاطاعه‌ای بودن «اولی الامر» است.

۴- دلالت عقل (دلالت التزام نوع لازم ماهیت): بین این دو آیه دلالت عقلی حاکم است؛ به عبارت دیگر با دیدن عصمت در شخصی اطاعت ملازم می‌شود (دلالت عصمت بر اطاعت)؛ یعنی عقل با پی بردن به عصمت در شخصی، وجوب اطاعت را ملازم می‌داند. از جهت ارتباط الفاظ بر معنی، دلالت التزام از نوع لازم ماهیت بین دو آیه برقرار است؛ یعنی هرگاه در ذهن اطاعت علی الاطلاق حاصل شود، عصمت همراه آن خواهد بود.

۳-۲-۴. ارتباط آیه تطهیر با آیه ولایت

متن حاضر: آیه تطهیر.

متن غایب: آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» را شیعه جهت اثبات ولایت و امامت ائمه (ع) به‌ویژه امامت علی (ع) استدلال و استناد کرده‌اند؛ این آیه ولایت بر مسلمانان را محدود به سه نفر بیان کرده است: «خدا، رسول (ص)، الذین آمنوا»؛ باید توجه داشت که منظور آیه از واژه «ولایت» به معنای «سرپرستی» است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۵۳۳)؛ یعنی این‌که کسی نسبت به کس دیگر از نسبت و رابطه نزدیکی برخوردار شود که بتواند در امور او تصرف کرده و به‌نوعی در تدبیر امور او نقش ایفا کند. سیاق نشان می‌دهد که سنخ ولایت رسول و آن جماعت خاص اهل ایمان، از همان سنخ ولایت الهی است؛ به‌ویژه آنکه واژه «ولی» یک‌بار بیشتر نیامده و رسول و «الذین آمنوا» به «الله» عطف شده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶/ ۱۴). طبعاً ولایت خدا به معنای مطلق آن‌همه شئون ولایی را در بر گرفته و اختیارداری مطلق و حق تصرف عام او را نشان می‌دهد و «الذین آمنوا» مؤمنان مخلصی هستند که سرپرستی دیگر مؤمنان تنها منحصر آنان است و مفرد بیان شدن «ولی» به‌جای «اولیاء» گویای انطباق کامل ولایت پیامبر (ص) و ولایت (الذین آمنوا) بر ولایت خداست، به‌عبارت‌دیگر ولایت الهی از مجرای ولایت پیامبر (ص) و ولایت (الذین آمنوا) جاری است که توسط آن‌ها بر مؤمنان تحقق می‌یابد.

رابطه بینامتنی (قواعد ارتباط‌دهنده): انواع ارتباطی که بین دو آیه مذکور وجود دارد عبارت

است از:

۱- اهل بیت (در آیه تطهیر) مصداق مشخص الذین آمنوا: نقطه اتصال آیات بیان شده بین واژگان «ولی، رسول، الذین آمنوا، اهل بیت و تطهیر» است، پیش‌تر بیان شد که «ولی» به معنای سرپرست مؤمنان است که امور آنان را بر عهده دارد و این ولایت توسط رسول اکرم (ص) و «الذین آمنوا» بر مؤمنان تحقق می‌یابد، وجود مبارک رسول (ص) بر همگان مشخص است؛ اما مصداق «والذین آمنوا» در آیه گنگ و مبهم است. آنچه مشخص است «والذین آمنوا» وجودهای قریب الاقرب با پیامبرند که از عصمت برخوردارند و ولایت آنها همچون ولایت پیامبر (ص)، مطلق و بلاشرط است؛ به‌ویژه آنکه واژه «ولی» یکبار بیشتر نیامده و رسول و «الذین آمنوا» به «الله» عطف است و ولایت آنان یک ولایت مطلقه است. حکمت بالغه پروردگار ایجاب می‌کند که کسی در آن مقام باشد که از هرگونه خطا و اشتباهی چه در نیت، قول و فعل مصون باشد؛ چراکه این جایگاه ولایت مطلقه خداوندی است و کسی می‌تواند تکیه بزند که تطهیر باشد؛ از سوی دیگر آیه بیانگر این مطلب است که در بین شما مؤمنان کسانی وجود دارد که دارای چنین مقامی است و خداوند بدون ارائه مصداق حقیقی و واقعی در بین شما لفظ «الذین آمنوا» را هم‌پا با رسولش بیان نمی‌کند و تنها زمانی مؤمنان را به سرپرستی کسی می‌سپارد که دارای فضیلتی چون عصمت و در آن عصر باشند. با دقت در قرآن و روایات تنها مؤمنانی که از سوی خدا به ویژگی‌های خاص مدح و فضیلت شده‌اند، اهل بیت مذکور در آیه تطهیر است؛ در این آیه خداوند به بیان معصوم بودن اهل بیت (ع) پرداخته و مردم را اطمینان داده است که آنان از هرگونه کجی و ناراستی به دورند و تنها در طریق الی الله به آنها می‌توان اعتماد کرد، آیه ولایت اشاره به مقامی دارد که هر کس بخواهد سرپرستی مؤمنان را بر عهده بگیرد باید دارای عصمت باشد و بر اساس آیه تطهیر تنها اهل بیت (ع) دارای چنین ویژگی است و دیگری وارد این مقام نمی‌تواند بشود.

۲- آیه تطهیر زمینه‌ساز آیه ولایت (شرط وجودی): مفهوم اصلی دو آیه، ولایت رسول و الذین آمنوا و عصمت اهل بیت (ع) است که با تحقق یافتن یک مفهوم، مفهوم دیگر محقق می‌شود، در بیان دیگر کسی می‌تواند به مقام ولایت مطلقه الهی برسد که تطهیر و معصوم باشد و اگر این شرط وجودی که لازمه آن مقام است محقق نشود و شخص معصوم نباشد به ولایت معهود نخواهد رسید، در نتیجه آیه تطهیر که دلالت بر عصمت اهل بیت (ع) دارد، زمینه‌ساز آیه ولایت شمرده می‌شود.



۳- دلالت التزام (لازم ماهیت): از جهت لفظ بر معنی، دلالت التزام از نوع لازم ماهیت بین این دو آیه و واژگان محوری آن حاکم است؛ یعنی هرگاه در ذهن ولایت به معنای معهود بیان شده حاصل شود، خودبه خود تصور عصمت با آن همراه خواهد بود.

۴-۲. ارتباط آیه تطهیر با آیه اکمال

متن حاضر: آیه تطهیر.

متن غایب: آیه «...الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاْتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...» از سوره های مدنی است و به اجماع فریقین از آخرین سوره های قرآن است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/ ۲۳۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۶/ ۲۰-۳۰؛ ترمذی، ۱۴۲۰: ۴/ ۳۲۶)؛ آیه اکمال دین از جمله آیات اختلافی بین فریقین است که مباحث کلامی گسترده ای را رقم زده است که همه آن برمی گردد به شأن نزول و سیاق آیه؛ آیه اکمال تقریباً به اتفاق گزارش های فریقین در جریان حجه الوداع پیامبر (ص) (روز غدیر یا روز عرفه) نازل شده است (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲/ ۱۲-۱۳؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۱/ ۴۳۵)؛ در منابع روایی مکتب اهل بیت (ع) قول مشهور نزول این آیه در غدیر خم است و نزول آن درباره اعلان ولایت حضرت علی (ع) تردیدی نیست (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/ ۳۱۲؛ ابوالفتوح رازی ۱۴۰۸: ۲/ ۹۷-۹۹؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۵/ ۱۶۷-۱۸۲)؛ آیه اکمال درصدد بیان واقعه ای عظیم و بزرگ است که با آن، کافر آن مأیوس و دین خدا تکمیل و نعمت بر اساس آن بر شما اتمام و اسلام دین ابدی در نزد خدا می گردد؛ پس نمی تواند همان مطالب گذشته باشد؛ بلکه مربوط به وقایع بزرگی است که آن رخ داد موجب تکمیل دین گشته است؛ یعنی اعلان ولایت و جانشینی امام علی (ع).

رابطه بینامتنی (قواعد ارتباط دهنده): انواع ارتباطی که بین دو آیه مذکور وجود دارد عبارت

است از:

۱. اهل بیت (ع) (علی ع) مصداق روشن اکمال دین و اتمام نعمت: آیه اکمال در مورد ولایت و جانشینی امام علی (ع) است که در روز غدیر توسط رسول اکرم (ص) بر مسلمانان ابلاغ شد؛ مؤید این بیان - جانشینی امام علی (ع) - دلالت و مصداق اهل بیت (ع) در آیه تطهیر است، با این مقدمه که کسی به عنوان جانشین پیامبر (ص) معرفی می شود که دارای ویژگی های خاصی مانند پیامبر (ص) باشد؛ از جمله عصمت، یعنی شخص جانشین از فضیلت عصمت برخوردار باشد،

چراکه اگر این‌گونه نباشد مؤمنان از راه حق دور و گمراه می‌شوند و تابع مخلوق معصیت‌کار شده‌اند و این در حالی است که پیروی از مخلوق عاصی از سوی خدا و رسولش (ص) نهی شده است؛^۱ وجود چنین شخصی، بزرگ‌ترین نعمت از سوی خدا است و باوجود او دین خدا پایدار و کامل می‌شود؛ در قرآن تنها عصمت پنج‌تن آل عبا (ع) - پیامبر (ص)، علی (ع)، زهرا (س)، حسن (ع) و حسین (ع) - در آیه تطهیر بیان و تضمین شده است و آیه‌ای که دیگر صحابی را متصف به چنین فضیلتی کند، وجود ندارد؛ در نتیجه امام علی (ع) - که مصداق اهل بیت (ع) است - مصداق روشن اکمال دین و اتمام نعمت است.

۲. آیه تطهیر زمینه‌ساز آیه اکمال (شرط وجودی): مفهوم اصلی هر دو آیه یکی اکمال دین در جانشینی امام علی (ع) و دیگری تطهیر و عصمت اهل بیت (ع) است که محقق شدن یک مفهوم منوط به مفهوم دیگر است و یک نوع ارتباط بینامتنی را در دو آیه شکل می‌دهد. در اینجا آیه تطهیر مقدمه و زمینه‌ساز بیان آیه اکمال است؛ یعنی اگر عصمت آنان نبود نه اکمال دینی رخ می‌داد و نه اتمام نعمت و جاودانگی دینی؛ خداوند با نزول آیه تطهیر و اثبات عصمت امام علی (ع) و بیان فضایل آن، زمینه‌ساز نایل شدن به هدف اصلی یعنی اکمال دین و اتمام نعمت شده است و جاودانگی دین تنها در صورت منصوب کردن افرادی که از هرگونه خطا و اشتباهی در امان باشند ممکن است (شرط وجودی) و آیه تطهیر اثبات عصمت و مقدمه‌ای است که به مردم بیان بدارد که کمال دین را در آنان جستجو کنند؛ چراکه دین تنها بر اساس چنین اشخاصی از انحراف در امان می‌ماند و موجب جاودانگی آن است.

۵-۲. ارتباط آیه تطهیر با آیه مودت

متن حاضر: آیه تطهیر.

متن غایب: آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» بر فضیلت اهل بیت (ع) و موقعیت ویژه آنان دلالت دارد، برخی (علامه حلی، ۱۴۰۷: ۱۷۵) این آیه را یکی از ادله امامت امام علی (ع) به شمار آورده‌اند. مودت به معنای دوستی و تمایل شدید معنا شده است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۸۶۰) بر اساس روایات بسیار زیادی که از طرق اهل سنت و شیعه وارد شده است، مراد از «مودت فی القربی» دوستی خویشاوندان رسول خدا (ص) یعنی عترت او است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۸/۹).



مفسران شیعه در ذیل آیه دو نوع استدلال و تقریر بیان داشته‌اند؛ دلالت نخست، مودت مردم به اهل بیت (ع) مستلزم مرجعیت علمی اهل بیت (ع) است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸/۴۷؛ فضل الله، ۱۴۱۹: ۲۰/۱۷۱؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۲۶/۱۶۱؛ طیب، ۱۳۷۸: ۱۱/۴۸۱) و دلالت دیگر مودت مردم به اهل بیت (ع)، مستلزم وجوب اطاعت از آنان (علامه حلی، ۱۴۰۷: ۱۷۵)؛ به دیگر سخن، منظور از واجب کردن مودت اهل بیت بر مردم و اجر رسالت قرار گرفتن، تنها این بوده که این محبت وسیله‌ای باشد برای این‌که مردم به ایشان ارجاع شوند و فهم و تفسیر معصومانه را از آنان دریافت کنند و آنان مرجع علمی مردم قرار گیرند و مرجعیت دینی چیزی فرای از اطاعت و تبعیت نیست.

رابطه بینامتنی (قواعد ارتباط‌دهنده): انواع ارتباطی که بین دو آیه مذکور وجود دارد عبارت

است از:

۱. **اهل بیت (ع) مصداق روشن قربی:** قرار دادن آیه مودت در کنار آیه تطهیر موجب تعیین مصداق «قربی» می‌شود؛ کیستی قربی از جمله مسائل اختلافی است که مفسران اهل سنت اقوال متعددی را بیان داشته‌اند؛ از جمله: کفار قریش، انصار، تودد ناس به یکدیگر، خویشاوندان مادر پیامبر (ص) و... (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۳/۱۳) این اختلاف مصادیق موجب خلط در معنا و مصداق آیه گشته است. با قرار دادن آیه تطهیر در کنار آیه مودت از یکسو مصداق مودت فی القربی مشخص می‌شود و از سوی دیگر هدف نزول آیه تطهیر بیش از پیش روشن‌تر می‌شود. آیه تطهیر بیانگر عصمت اهل بیت (ع) است و آیه اجر رسالت بر مرجعیت و تبعیت از فی القربی دلالت دارد. وجه ارتباطی بینامتنی مذکور، در معصوم بودن قربی است، در واقع اجر رسالت واقع شدن مودت به قربی در صورتی درست است که آنان معصوم باشند، چون پیروی و تبعیت از مرجعی که عاصی است از سوی خدا و رسول اکرم (ص) نهی شده است؛^۹ در نتیجه این قربی که مرجعیت علمی مردم را بر عهده دارند، کسانی هستند که عصمت آنان تأیید شده است و از آنجایی که عصمت از اموری است که تنها ذات اقدس اله بر آن آگاهی دارد، تنها او باید آنان را معرفی کند و خداوند این مهم را در آیه تطهیر نازل کرده است و تنها اهل بیت پیامبر (ص) در آیه تطهیر مهر اثبات عصمت خورده است. با این توضیح قربی کسی نمی‌تواند باشد به غیر از اهل بیت (ع) که در واقع مصداق روشن فی القربی است.

۲. زمینه‌ساز (شرط وجودی): مودت فی القربی در صورتی بر ما واجب می‌شود که قربی دارای عصمت باشند؛ در واقع آیه تطهیر زمینه‌ساز آیه اجر رسالت محسوب می‌شود؛ یعنی اینکه خداوند ابتدا در یک زمینه‌سازی مقام اهل بیت را برای مردم تبیین و مقام عصمت آنان را تسجیل نمود و به آنان فهماند که تنها آنان هستند که بدون خطا و معصوم از هر گناهی هستند و بعد از بیان این شرط وجودی، اجر رسالت را که مودت به آنان و مرجع علمی و مورد تبعیت واقع شدن آنان است، بیان می‌کند؛ چراکه شرط تبعیت و مرجع علمی واقع شدن از سوی خدا داشتن عصمت است که این مهم در یک مقدمه‌ای در آیه تطهیر بیان شد.

۵. نتیجه پژوهش

از آنچه در این پژوهش بررسی شد، نتایج زیر قابل ارایه است:

کارکرد تفسیر قرآن به قرآن همانند یک عملیات بینامتنی است، همان‌گونه که بینامتنیت توجه به سخن گفتن متن‌ها با یکدیگر دارد و هیچ متنی را بدون ارتباط با متن‌های دیگر نمی‌داند، مفسر در تفسیر قرآن به قرآن ردپاهای متن غایب را در متن اصلی پیدا می‌کند و وجه ارتباطی متن‌های دیگر را در ارتباط با آن متن مورد بررسی قرار می‌دهد، این وجه در دو شکل آگاهانه و غیرآگاهانه در قرآن کریم به کاررفته است که در ترسیم قواعدی این روابط بینامتنی هر یک از آیات را با یکدیگر مشخص می‌شود؛ از جمله رابطه بینامتنی مصداقی یا رابطه لازم و ملزومی و دلالت عقلی و دیگر ارتباط‌هایی که بیان شد، همه بیان‌گر ترسیم عملیات بین دو متن (آیه) حاضر و غایب است و این به مسأله بینامتنیت نگاه تازه و معنا و تعریف جدیدی را به آن می‌بخشد؛ در آثار پیشین- مقالات؛ تکنگاری‌ها و تفاسیر- آیه تطهیر را به تنهایی از جهت قرائن متصل (دلالت واژگانی- سیاق) و قرائن منفصل (حدیث- عقل...) مورد مذاقه قرار داده‌اند و این اثر آیه تطهیر را از نگاه بینامتنیت که نوع آن همان تفسیر قرآن به قرآن است، مورد پژوهش قرار داده و قواعد ارتباط- دهنده را - برگرفته از منطق، فلسفه، اصول فقه و مباحث علوم قرآنی- که هیچ یک از مفسران و دانشمندان بدان نپرداخته‌اند، مورد تحلیل علمی در ذیل آیه تطهیر قرار داده است.

گونه‌های قواعد ارتباطی آیه تطهیر با هر یک از آیات مورد بحث از جهت تعداد روابط بینامتنی متفاوت و با یکدیگر مختلف است؛ مثلاً در تحلیل آیه تطهیر با آیه عهد چهار نوع رابطه بینامتنی پنهان یا غیرآگاهانه و آگاهانه وجود دارد، از جمله اینکه اهل بیت (ع) در آیه تطهیر، مصداق روشن



مقام امامت در ذریه حضرت ابراهیم (ع) است، یا رابطه جزء و کلی بین دو آیه حاکم است، یا لازم و ملزوم یکدیگرند، یا ارتباط مفهوم دو آیه در دلالت عقلی سنجیده شد و ارتباط آن مشخص گردید؛ ارتباط آیه تطهیر با آیه اطاعت (نساء: ۵۹) در شش نوع بیان گردید؛ با آیه صادقین (توبه: ۱۱۹) سه نوع کشف شد و دیگر آیات که تناوب ارتباطی آن‌ها وابسته به شدت نوع ارتباط آن متفاوت و تحلیل گردید.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. Intertextual relationship
2. Intertextuality
3. Partial rejection
4. Negation of the parallel
5. General rejection
6. phentext
7. Genotext

۸. إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ (اعراف: ۲۸)؛ «لا طاعة لمخلوق في معصية الخالق» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۲)

(۶۲۱)

۹. رجوع کنید به پاورقی پیشین.

۷. منابع

- قرآن کریم
- ابن تیمیه، احمد بن عبد الحليم، منهاج السنة النبوية في نقض كلام الشيعة و القدرية، تحقيق محمد رشاد سالم، رياض: جامعة الامام محمد بن سعود الاسلامية ۱۴۰۶ ق.
- ابن جوزي، ابوالفرج عبدالرحمن بن علي، زاد المسير في علم التفسير، بيروت: دار الكتاب العربي، ۱۴۲۲ ق.
- ابن كثير، اسماعيل بن عمر، تفسير القرآن العظيم، تحقيق محمدحسين شمس الدين، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الاولى، ۱۴۱۹ ق.
- ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۴ ق.

- احمدی، بابک، ساختار و تأویل متن، ج پنجم، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰.
- آلن، گراهام، بینامتنیت، ترجمه پیام یزدانجو، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰.
- آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۵ ق.
- بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران: نهضت زنان اسلام، ۱۳۶۱ ش.
- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.
- بنیس، محمد، ظاهره الشعر المعاصر فی المغرب، بیروت، دارالعودة، ۱۹۷۹.
- پاکتچی، احمد، تاریخ تفسیر قرآن، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱ ش.
- ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الكبير، بیروت: بشار عواد معروف، ۱۹۹۸ م.
- حائری تهرانی، میر سید علی، مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ ش.
- حسنی، مختار، التناص فی البخاز النقدی، مجله علامات، ج ۱۳، جزء ۴۹، سال نشر ۲۰۰۳.
- حسینی شیرازی، سید محمد، تقریب القرآن إلى الأذهان، بیروت: دارالعلوم، چاپ اول، ۱۴۲۴ ق.
- حلّی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر (علّامه حلّی)، نهج الحق و كشف الصدق، بیروت: دار الكتاب اللبناني، ۱۹۸۲ م.
- داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی، ج دوم، تهران، مروارید، ۱۳۸۳.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالقلم، الطبعة الاولى، ۱۴۱۲ ق.
- زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الكتاب العربی، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۷ ق.
- سید بن قطب بن ابراهیم شانلی، فی ظلال القرآن، قاهره: دارالشروق، الطبعة السابعة عشر، ۱۴۱۲ ق.
- شیخ مفید، محمد بن نعمان، تفسیر القرآن المجید، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۴ ق.
- صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.



ش.

- طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مکتبه النشر الإسلامی، الطبعة الخامسة، ۱۴۱۷ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد جواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة الاولى، بی تا.
- طبیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.
- عزام محمد، النص الغالب، من منشورات اتحاد الكتاب العرب، دمشق، ۲۰۰۱ م.
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار التراث العربی ۱۴۲۰ ق.
- فیض کاشانی، محسن، تفسیر الصافی، تحقیق حسین اعلمی، تهران: انتشارات الصدر، الطبعة الثانية، ۱۴۱۵ ق.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، الطبعة الاولى، ۱۳۶۴ ش.
- کریستوا، جولیا، کلام، مکالمه و رمان، ترجمة پیام یزدانجو، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، قم: دار الحديث، چاپ اول، ۱۴۲۹ ق.
- نامور مطلق، بهمن، درآمدی بر بینامتنیت نظریه‌ها و کاربردها، تهران، سخن، ۱۳۹۰.
- هاشمی، محمد بن سعد (ابن سعد)، الطبقات الكبرى، بیروت: دار صادر، چاپ یکم، ۱۴۱۳ ق.